بررسی تعبیر «احکمناه» در روایت ابن اعین

دیروز از حدیث ابن اعین بحث شد که منظور از آن چیست. استظهار متقابلی از این حدیث شده. بعضی مثل مرحوم خوئی خیلی مدح و مقام برای علی بن حنظله فهمیده بودند، بهدنبال همین مدح اتقان در استنباط فهمیده بودند. اول حضرت او را مدح کردند و بعد هم سفارش حضرت برای عجله نکردن و اتقان در استنباط بود. احتمال دیگری هم بود که در عبارت مرحوم آقای تبریزی بود. من هم عرض کردم اولی که حدیث را در بصائر دیدم، جهت مثبت به ذهنم نیامد. نقطه مقابلش به ذهنم آمد. یعنی یک نحو حال این که گمانش این بود که حضرت را از نظرشان برگرداندهه. حضرتی جواب دادند، او گفت حالا اگر اینطور شد و ... . نکتهای که در این موارد هست این است که عرف، کجا باید در علمیت پیشرفت کند؟ در عرف عوام که زیاد میشود، در خواص هم میشود؛ با عوض کردن صغری، بالدقه کبرای شرعی عوض میشود، اما او به خیال خودش دارد مورد نقضی پیدا میکند و میگوید ببینید من دارم دو صغری میآورم که کبری نقض کنم. و حال اینکه توجه ندارد جایی هست که صغری عوض میشود و کبری ثابت است. جایی است که وقتی صغری عوض میشود کبری هم عوض میشود. این نکته خیلی مهمی است. وقتی صغری را عوض کردی اگر کبری عوض شود، نباید انتظار جواب واحدی داشته باشید. اما اگر صغری را عوض کنید اما کبری عوض نشود، این خوب است. میگویید پس ببین اینجا نقض آن میشود. شما مجبور هستید که از کبری دست بردارید. دست برداشتن از یک کبری و تجدید نظر کردن در یک کبری و به عبارت دیگر عوض شدن فتوا در یک کبری، خیلی متفاوت است با اینکه کبری دو تا باشد؛ یعنی از کبرای قبلی که دست برندداشتهاند. شما صغری را عوض کردید. تعویض صغری موجوب تعویض کبری شد.

دنباله بحث دیروز یک دفاعی از موضع خودشان داشتند. آن را گذاشتم. فرمودهاند:

بازبینی #1
ایجاد شده 18 آوریل 2026 13:35:49 توسط ... .
به روزرسانی شده 18 آوریل 2026 13:36:43 توسط ... .